

ی خوات که وضو سازد آب بیرون آید و هرگاه که بی خوات که  
یا شاید شیر بیرون آید و آذوی آرد که هر وقت که نماز گذاردی  
شیطان بصوت ماری تشنه شدی و بزیر پرپراهن وی در آیدی و  
از آستین وی بیرون آیدی وی اذان بیج متغیر نشدی ویرا  
گفتند چو این مار را از خود دور کنی گنت از خدای عاشرم بی  
دارم که از غیر وی برسم و والله من الکاه فی شوم آن وقت که بی  
پیر این من درونی آید و بیرون آید **رازان کند رحمة الله**  
تا بی کوفی بود روزی گنت خداوند از کس نام از روزی خانه  
وی نانی فزوات دامت سکا آسیای **رازان رحمة الله**  
تا بی بصری بود روزی در مسجد امامت می کرد چون باین آیت  
رسید که **فَاذْبَحْ فِي الْاُتُوْرِيْنَ** در **سعيد بن مسيب رحمة الله**  
از وی آرد که بعضی امر که والی مدینه شده بود بعد از آنکه علی بن ابی  
وقاسم بن محمد و سلم بن عبدالله رضی الله عنهم و حجج دیگر از قبیل  
به دیدن وی آمدند آن والی روی ایشان کرد که سعید بن  
مسیب کدام است از شما علی بن الحسین رضی الله عنهما فرمود که  
وی مسجد را لازم گرفته است و بصحبت امر آنی رود گنت تو  
که علی بن حسین بن علی بن ابی طالبی وقاسم که پسر محمد بن ابی بکر  
صدیق است و سلم که پسر عبدالله بن عمر است پیش منی آید  
و سعید بن مسیب منی آید و الله که کردن در برابر خواجه زد و سید یاد

سید بن مسیب

مکرر

مکرر کرد علی بن الحسین رضی الله عنهما می گوید که بدین سبب مجلس  
بر ما شد چه بیرون آمدیم پیش سعید بن مسیب رفته و قصه  
بوی باز گنت و گنتم اگر بهره بی روی دور نیت گنت مراد عمره  
نیقی صادق در خاطر نیقاده است گنتم بخاک بعضی از برادران رو  
گنت باین سادی که روزی پنج بار ندای کند می گتم والله که هرگز  
مراند آنجا آمد که مکرر این که بوی خواص آمد پس گنتم در مسجد از  
انجا که نشستی بجای دیگر نقل کن زیرا که ترا در جای تو خواهند  
طلبید گنت مجلسی را منی گذارم که مراد آن خوی داده است با پنج  
خوی داده است از غیرات و طاعات گنتم ای برادر من تو منی  
تر می گنت چون پرسیدی خدای تعالی دانند که از بیج حضرت فری  
منی ترسم لکن اول آنچه می گویم و او سلطان و آخر آن حد و نای  
خدای تعالی است و در روز بر محمد صلی الله علیه و سلم و از خدای  
تعالی در می خواصم که مرا برین والی فراموشی کرد انداختی آن  
اسیر در مدینه بود بعد از آن غلشی کردن و عزیمت شام کرد چون  
چند منزل از مدینه بیرون آمد روزی غلام وی ویرا وضو داد  
غلام را گنت یکساعت باشی رسی رسوایی و شرمندگی من از  
علی بن الحسین و قاسم بن محمد و سلم بن عبدالله که در پیش  
ایشان سوگند خوردم که کردن سعید بن مسیب را بزخم و والله  
که اذان وقت تا این زمان در بیج ساعت از ساعتش و روز

King Saud Chamber

Copyright © King Saud University